

مجموعه‌ی مقالات

کنارش لشکر کشی سارکون به اورارتو

از منظر جغرافیای تاریخی، ادبی و عقیدتی

با مقدمه‌ی پروفسور اشتفان کرول

گردآوری، پژوهش و تحقیق

دکتر اسکار وایت ماسکارلا

ترجمه

صمد علیون (خواجہ دیزج)

سر شناسه	: ماسکارالا، اسکاروایت
عنوان و پدیدآور	Muscarella, Oscar White مجموعه‌ای مقالات گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو از منظر جغرافیای تاریخی، ادبی و عقیدتی / گردآوری، پژوهش و تحقیق اسکاروایت ماسکارالا؛ با مقدمه‌ای اشتفان کرول؛ ترجمه صمد علیون (خواجه‌دیزج).
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۳ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۳۷۵-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتاب حاضر گردآوری و ترجمه مقالات از منابع مختلف است.
یادداشت	: عنوان دیگر: گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو از منظر جغرافیای تاریخی، ادبی و عقیدتی.
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو از منظر جغرافیای تاریخی، ادبی و عقیدتی.
موضوع	: سارگون دوم، شاه آشور، - ۷۰۵ ق. م. -- جنگ‌ها
موضوع	: کتیبه‌های میخی آشوری و بابلی
موضوع	: اورارتو -- تاریخ
موضوع	: ایوان -- تاریخ -- عیلامیان، ۲۲۲۵ - ۶۴۵ ق. م
شناسه افزوده	: علیون، صمد، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ م ۳۸۷/۸ DSV
رده بندی دیویی	: ۹۳۵/۰۳
شماره کتابخانه ملی	: ۲۵۶۹۵۲۶



نشر اختر

گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو از منظر جغرافیای تاریخی، ادبی و عقیدتی
گردآوری، تحقیق و پژوهش: دکتر اسکاروایت ماسکارالا
ترجمه: صمد علیون خواجه‌دیزج
ویرایش: علی صدرانی
تدوین، حروفچینی و صفحه‌آرایی: پروژدهی ترجمه‌ی هستلو (صمد علیون خواجه‌دیزج / مجید صوفیانی)
چاپ اول ۱۳۹۰ / تیراژ ۱۰۰۰ جلد / ۲۲۳ صفحه / قطع وزیری
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۳۷۵-۱
مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، نشر اختر
تلفن: ۰۹۱۳۱۱۶۶۸۹۷ و یا ۰۳۱۱-۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

«کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است»

تقدیم بہ خانوادہ محترم بہکار و دوست بسیار عزیزم

جناب آقای علی صدرانی

فہرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۰	مقدمہ ی دکتر اسکار وایت ماسکارلا
۱۹	مقدمہ ی پروفیسور اشتفان کرول
بخش اول: مباحث جغرافیای تاریخی	
۲۹	فصل اول لشکرکشی ہشتم سارگون (ہوراس ابرام ریگ)
۳۹	فصل دوم لشکرکشی ہشتم سارگون دوم پادشاہ آشور (سال ۷۱۴ ق.م) (ادوین رایت)
۵۱	فصل سوم لشکرکشی ہشتم سارگون دوم (آلتان چیلینگیر اوغلو)
۶۳	فصل چہارم لشکرکشی ہشتم سارگون (لونیس لوین)
۶۴	جغرافیای تاریخی: اسامی مکان ہا
۷۷	مسیر لشکرکشی
۸۳	وضع تاریخی
۸۷	فصل پنجم موقعیت اولہو و اوئیشہ در لشکرکشی ہشتم سارگون (اسکار وایت ماسکارلا)
۸۸	مقدمہ
۸۹	دیدگاہ ہای پیشین
۹۲	بازنگری در تفسیر شواہد موجود
۱۰۳	پی نوشت ہا

فصل هشتم	جغرافیای اورارتو و لشکرکشی هشتم سارگون (پاول زیمانسکی)	۱۰۷
۱.	مقدمه	۱۰۷
۲.	شکل‌گیری اجماع نظر جنوب غرب ارومیه	۱۱۰
۳.	مفهوم قلمرو «اورارتو»	۱۱۳
۴.	ناگرو و طرح لشکرکشی	۱۱۶
۵.	نتایج	۱۲۷
۶.	پی‌نوشت‌ها	۱۳۱

بخش دوم: مباحث ادبی و عقیدتی

فصل هفتم	شهر آشور در سال ۷۱۴ ق.م. (لئو اپنهایم)	۱۴۱
فصل هشتم	تنوع روایی و عقیدتی در گزارش لشکرکشی... (فردریک ماریو فالس)	۱۶۱
فصل نهم	بازبینی دقیقه‌ی بود در نامه‌ی سارگون به ایزد آشور (کاترین کراویتز)	۱۸۳
فهرست منابع		۱۹۸

مقالات انگلیسی

مقدمه‌ی دکتر ماسکارلا به انگلیسی	4
مقدمه‌ی پروفسور اشتفان کرول به انگلیسی	10
بیوگرافی دکتر اسکار وایت ماسکارلا	17

پیشگفتار

سارگون دوم پس از مرگ شلمنصر پنجم در سال ۷۲۲ ق.م. بر تخت سلطنت آشور جلوس کرد. مشخص نیست وی با قتل برادر ناتنی خود، شلمنصر، به اریکه‌ی سلطنت دست یافت یا با اغتنام فرصتی که از مرگ وی در شورش‌های داخلی دست داده بود. در هر حال، آغاز پادشاهی او با خشونت و زور همراه بود و تا یک سال پس از آن شورش علیه وی ادامه داشت. سارگون چون غاصب تاج و تخت تلقی می‌شد مجبور بود به سلطنت خود مشروعیت ببخشد، لذا به جای رسم دیرین استفاده از نام پدری در کتیبه‌ها و سالنامه‌های خود، در اقدامی بی‌سابقه نام پسرآوازه‌ی سارگون (در زبان اکدی «شارو کین» به معنای پادشاه واقعی) را برای خود بر می‌گزیند. این نام نه تنها مهر مشروعیت بر سلطنت وی می‌زد بلکه توأمان یادآور نام سارگون، از پادشاهان قبلی آشور و نیز قهرمان و پادشاه نام‌آور اکدی، بود.

سارگون دوم در کشورداری مدیری مدبّر و در امور جنگ فرماندهی بی‌بدیل بود. سراسر سلطنت هفده ساله‌ی او به جنگ و لشکرکشی گذشت و البته وی در همان اثنا به اقدامات عمرانی مهمی نیز دست زد که نمونه‌ی بارز آن احداث پایتخت جدید، یعنی شهر دورشارکین (به معنای دژ سارگون) بود. وی سرانجام در سال ۷۰۵ ق.م. و زمانی که تنها یک سال از انعام کار بنای دور شارکین می‌گذشت در میدان نبرد کشته شد.

سارگون که حکومت را در سایه‌ی سنگین نامشروعیتی آغاز کرده بود از هیچ تلاشی برای تثبیت خود، خاندان و امپراطوری‌اش فروگذار نکرد. از نمودهای این تلاش‌ها تهاجمات بی‌وقفه‌ی وی به سرزمین‌ها و دولت‌های همسایه بود که با اهداف و بهانه‌های مختلف صورت می‌گرفت. معروف‌ترین این تهاجمات لشکرکشی سال ۷۱۴ ق.م. وی به ایران و اورارتو است.

پرتفصیل‌ترین و ادبی‌ترین یادگار مکتوب سارگون نوشته‌ای است که بر سینه‌ی لوحی گلین به دست ما رسیده است. نوشته‌ی روی این لوح، که به «نامه به ایزد آشور» موسوم است، به نقل حوادث لشکرکشی هشتم سارگون در سال ۷۱۴ ق.م. می‌پردازد. این نامه نه تنها سرشار از اطلاعات تاریخی

و جغرافیایی و دارای صبغه‌ی ادبی است بلکه گزارش مفصل بی‌سابقه‌ای را از یک لشکرکشی واحد روایت می‌کند و از این رو بسیار مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار گرفته است.

غناي اطلاعات موجود در این نامه پژوهشگران را به طرح طیف وسیعی از دیدگاه‌ها و فرضیات پیرامون جغرافیای تاریخی مناطق غرب و شمال غرب ایران، سرحدات دولت‌های باستانی و اسامی سرزمین‌های کهن قادر ساخته است. نظر به حجم بسیار زیاد این دیدگاه‌ها و فرضیات، ارایه‌ی فهرست کامل موضوعات آنها به هیچ وجه مقدور نیست. اما، از مهم‌ترین آنها شاید بتوان تعیین حدود و ثغور دولت‌های باستانی (اورارتو، ماننا و حتی ماد)؛ تطبیق اسامی و توپونیم‌های موجود در نامه با مناطق و اماکن امروزی؛ توصیف فرهنگ و تمدن و سطح بلوغ فکری ملل باستان (از جمله فرهنگ مردم آشور و تمدن و اقتصاد شکوفای مردم اورارتو)؛ توصیف بهره‌گیری سیاسی دولت‌ها از مسائل عقیدتی و هوچی‌گری؛ و آشنایی با روابط و مناسبات سیاسی و حتی تجاری ملل مختلف و موارد پرشمار دیگر را برشمرده از مشهورترین مثال‌های استناد به متن این نامه در تطبیق اماکن باستانی با مناطق امروزی تطبیق شهر تبریز با - حداقل یکی از - دره‌های دوقلوی تاور [تارونی] و تارماکیسا قابل ذکر است. سبک نگارش ادبی این نامه نیز از دیگر موضوعات بسیار جذابی است که هم سبب شده تا برخی پژوهشگران در تفسیر مطالب آن به بیراهه بروند و هم توجهات بسیاری را به سوی خود معطوف داشته است و در این راستا مقالات متعددی به رشته‌ی تحریر در آمده که سه نمونه از آنها در کتاب حاضر پیشکش می‌شود.

آنچه زیر دست خواننده است منتخبی از قلم‌فرسائی‌های پژوهشگران خارجی در باب ابعاد مختلف گزارش لشکرکشی سارگون دوم است که عمدتاً به مسائل جغرافیای تاریخی (بخش اول) و تحلیل ادبی و عقیدتی (بخش دوم) این گزارش می‌پردازد. بدیهی است در باب گزارش این لشکرکشی مقالات بسیار دیگری نیز وجود دارد که به منظور رعایت اختصار کتاب به ناچار از آنها چشم‌پوشی شده است. هم‌چنین، نظر به این که پروژه‌ی ترجمه‌ی حسنلو از همان آغاز هدف خود را فراهم آوردن منابع لازم برای پژوهشگران داخلی جهت استفاده در مطالعات و پژوهش‌های بومی تعریف کرده است، در کتاب حاضر نیز تنها به معرفی تفصیلی یا اجمالی گزیده‌ای از آرا و دیدگاه‌های پژوهشگران خارجی اکتفا شده و از پرداختن به دیدگاه‌های پژوهشگران داخلی و نیز تفسیر و تحلیل متن نامه‌ی سارگون پرهیز شده است.

همان‌طوری که مشاهده می‌شود و شاید نیز عجیب به نظر برسد کتاب حاضر دربرگیرنده‌ی یک پیشگفتار به قلم بنده و دو مقدمه به قلم دکتر اسکار وایت ماسکارالا (مترجم همکار) و پروفیسور اشتفان کروئل است. با این حال، این کار هدفمند بوده است و علت آن با خواندن این سه بخش کاملاً

مشخص خواهد شد: در پیشگفتار، سارگون نویسنده‌ی نامه‌ی مورد بحث و نیز کتاب حاضر به اختصار معرفی می‌شود. در مقدمه‌ی اول نیز ماسکارالا به جمع‌بندی نظرات سنتی و البته بیان دیدگاه خود می‌پردازد. این دو بخش مبنای تقسیم کار مترجمان کتاب است. اما، با توجه به پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر در سایه‌ی دستاوردهای محققان حوزه‌ی آشورشناسی، کشف اطلاعات جدید در تحقیقات باستان‌شناسان و بازنگری در تفسیر اطلاعات قبلی در زمینه‌ی بازسازی جغرافیای تاریخی منطقه‌ی آذربایجان به عمل آمده است بنده تمایل داشتم تا دیدگاه‌های جدیدی که در سایه‌ی این پیشرفت‌ها مطرح شده است به نحوی هر چند اجمالی در کتاب حاضر معرفی شود. بهترین گزینه در این زمینه پروفسور الحفان کروول بود چون وی هم به زبان‌های آلمانی و ایتالیایی تسلط دارد و هم در حال حاضر درگیر مطالعات گسترده در زمینه‌ی این موضوع است. دکتر ماسکارالا، به رغم اختلاف نظر بارز با پروفسور کروول در زمینه‌ی مسیر لشکرکشی سارگون، با بلندنظری پیشنهاد بنده را پذیرفت. پروفسور کروول نیز با مناعت طبع مثال‌زدنی خود با پذیرش درخواست بنده بی‌هیچ چشمداشتی خلاصه‌ای از دیدگاه‌های پژوهشگران ایتالیایی و آلمانی را در باب مسیر لشکرکشی سارگون مکتوب داشت. امید است این گام کوچک پروژه‌ی ترجمه‌ی حسلو نیز مورد قبول باستان‌شناسان، دانشجویان و تمامی علاقمندان به تاریخ و تمدن سرزمین عزیزمان قرار گیرد.

البته در خاتمه باید اشاره شود کشف رمز نوشته‌های خط میخی تنها عمری حدود ۱۵۰ ساله دارد و محققان این حوزه هم‌چنان دشواری‌ها و ابهامات بسیار زیادی را در زمینه‌ی قرائت و تفسیر نوشته‌های روی الواح و کتیبه‌های خط میخی بر سر راه خود می‌بینند. از این رو، بدیهی است هنوز هم بسیاری از آرایه‌ی که در باب قرائت و مفهوم نامه‌ی سارگون مطرح شده برخاسته از ظن و گمان و گاه حتی تعصب و شاید لجاجت بوده است و تردیدی نیست در آینده پیشرفت‌ها و اصلاحات دیگری در قرائت و تفسیر آن صورت خواهد گرفت. امید است پژوهشگران بومی نیز با تجهیز خود به اسباب لازم در این زمینه گام‌های بلندی را بردارند باشد که حداقل در قرائت و مقابله‌ی کتیبه‌ها، صخره‌نوشته‌ها و الواحی که از مناطق ایرانی به دست می‌آید به طور کامل از محققان غرض‌ورز و عالم‌نمایی نیاز شویم.

در پایان شایسته است از قبول زحمت اساتید ارجمند دکتر آلتان چیلینگیر اوغلو، دکتر فردریک ماریو فالس و دکتر کارلو زاکانیسی که متن اصلی مقاله‌ی خود را به بنده ارسال نمودند قدردانی شود. متأسفانه، امکان آرایه‌ی ترجمه‌ی مقاله‌ی ارزشمند دکتر زاکانیسی به دلیل بالاتر رفتن حجم کتاب میسر نگردید و در فرصت‌های آتی به طور حتم آرایه خواهد شد. هم‌چنین، از دوست و همکار ارجمند جناب آقای علی صدرانی و پروفسور اشتفان کروول که مجموعه‌ی حاضر در سایه‌ی زحمات بی‌دریغ این عزیزان امکان فراهم آمدن یافت سپاگراری می‌گردد.

مقدمه‌ی دکتر اسکار وایت ماسکارا

درآمد و مروری بر لشکرکشی هشتم سارگون دوم

پیشینه

سارگون دوم پادشاه آشور (۷۲۱-۷۰۵ ق.م.) در سال ۷۱۴ ق.م. گزارش لشکرکشی خود به غرب ایران و اورارتو را در نامه‌ای خطاب به ایزد آشور ثبت کرده است. این گزارش بر روی لوح گلین شکسته‌ای در ابعاد $22/5 \times 37/5$ سانتی‌متر برای ما به یادگار مانده است. موزه‌ی لوور این لوح را در سال ۱۹۱۰ میلادی از عتیقه‌فروشی به نام ل. ا. ژزو خریداری کرده است. در سال ۱۹۱۲ میلادی، فرانسوا تورو داتژن ترجمه‌ای عالی به زبان فرانسه از نوشته‌ی روی این لوح انتشار داد. چند سال بعد، تکه‌ی شکسته‌ای از این لوح (حاوی سطرها ۹۵-۲۳۶) که باستان‌شناسان آلمانی آن را در کاوش‌های محوطه‌ی آشور در شمال بین‌النهرین کشف کرده بودند در برلین شناسایی گردید. این کشف مهم به همراه تحقیقات پژوهشگران آلمانی مشخص ساخت که این لوح در اصل از محوطه‌ی آشور پیدا شده بود (Meissner 1922). به غالب احتمال، یکی از کارگران تیم حفاری این لوح را از محوطه ربوده و آن را به یک عتیقه‌فروش محلی فروخته و از آن جا لوح به پاریس قاچاق شده است. نوشته‌ی روی این لوح در قالب نامه‌ای به ایزد آشور است و زمان نگارش آن، یعنی سال ۷۱۴ ق.م.، بر مبنای یک اپوینمی مضبوط بر روی آن مشخص است. این لوح یکی از سه نوشته‌ی آشوری موسوم به *Gottesbriefe* (نامه به ایزد) می‌باشد که تاکنون کشف شده است. دو نمونه‌ی دیگر این نوشته‌ها به شلمنصر چهارم و اسرحدون تعلق دارند (Zaccagnini 1981: 264, note 3). علاوه بر ترجمه‌ی تورو داتژن، ترجمه‌های دیگری از دیوید لوکنیل (Ancient Records of Assyria and Babylon II, London 1989, 73-99) به انگلیسی و والتر مایر (MDOG 115, 1983: 65-132) به آلمانی منتشر شده است. برای تحلیل تاریخی، ایدئولوژیکی و ادبی متن نامه‌ی سارگون رجوع شود به (Zaccagnini 1981).

در دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی این نامه توجه شمار اندکی از پژوهشگران حوزه‌ی تاریخ و فرهنگ آشور، ایران و اورارتو در اوایل هزاره‌ی اول ق.م. را به خود جلب کرد (Wright & Rigg 1942). در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی در سایه‌ی حفاری‌ها و بررسی‌های گسترده در شمال غرب ایران این لوح دوباره در کانون توجه پژوهشگران قرار می‌گیرد و مطالعه‌ی آن از سر گرفته می‌شود. کاوش‌های مرتبط در منطقه از سوی رابرت هنری دایسون، اسکار وایت ماسکارالا، تئودور کایلر یانگ، چارلز برنی و ولفرام کلایس صورت گرفته است. بررسی‌ها نیز عمدتاً به سرپرستی ولفرام کلایس و اشتفان کروول به اجرا در آمده است و در نتیجه‌ی تحقیقات پیشرو و خستگی‌ناپذیر این دو حجم عظیمی از اطلاعات پیرامون غرب ایران در دوران‌های باستان و اسلامی گردآوری شده است (آنان گزارش تحقیقات خود را به طور منظم از دهه‌ی ۱۹۶۰ تا دهه‌ی ۱۹۹۰ در مجله‌ی *AMI* منتشر کرده‌اند). نتایج این کاوش‌ها و بررسی‌ها در مجموع به کشف حقیقتی می‌انجامد که تا آن زمان ناشناخته بود: سلطه‌ی اورارتو، یعنی قلمرو امپراطوری اورارتو، از قرن نهم تا قرن هفتم ق.م. از نواحی شمال شرقی آناتولی فراتر رفته و به سواحل غربی و جنوبی دریاچه‌ی ارومیه در ماورای رشته‌کوه‌های زاگرس در شمال غرب ایران کشیده شده بود. در نتیجه‌ی این یافته‌ی جدید، موضوع پیشروی سارگون در مناطق غرب و شمال غرب ایران بعد جغرافیایی جدیدی به خود می‌گیرد. تجدید نظر در موقعیت جغرافیایی و تطبیق ممالک و اماکن مضبوط در نامه‌ی سارگون (هم اورارتویی و هم غیر اورارتویی) با محوطه‌ها و مناطق امروزی و، به تبع آن، دیدگاه تورو داتژن درباره‌ی مسیر لشکرکشی سارگون ضرورت می‌یابد. بر این اساس، بازنگری در جغونگی و گستره‌ی پیشروی سارگون در مناطق غرب و شمال غرب ایران نیز الزامی می‌شود. هم‌چنین، این موضوع در تحقیقات بعدی تمامی پژوهشگران از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد. موضوع این تحقیقات در وهله‌ی اول تطبیق اسامی ممالک و اماکن پرشمار مضبوط در نامه‌ی سارگون با مناطق و محوطه‌های امروزی و در مرحله‌ی بعد تعیین مسیر حرکت ارتش سارگون در مناطق غرب و شمال غرب ایران است.

تطبیق ممالک و اماکن

لشکرکشی سارگون طولانی بود و چند ماه به طول می‌انجامد. اکثر پژوهشگران محل آغاز تهاجم وی به خاک اصلی امپراطوری اورارتو، یعنی هدف نهایی لشکرکشی وی، را نواحی پیرامونی دریاچه‌ی ارومیه و به طور مشخص سواحل غربی یا شرقی آن می‌دانند (نک: Zimansky 1990: 19, and note 78). شمار دیگری از پژوهشگران (به تبعیت از تورو داتژن) معتقدند پیشروی سارگون در خاک اصلی این امپراطوری از دریاچه‌ی ارومیه تا دریاچه‌ی وان ادامه یافته است. با این حال، نظرات پژوهشگران مختلف در زمینه‌ی تعیین موقعیت مناطق و اماکن با یکدیگر تفاوت - گاه بسیاری - دارد

و دیدگاه‌های تمامی آنها بر نتایج کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسان استوار شده است. از پژوهشگرانی که به طور مفصل به این مباحث پرداخته‌اند والتر مایر، لوئیس لوین، اسکار وایت ماسکارلا، میریو سالوین، اشتفان کرول، ولفرام کلایس، چارلز برنی، زیمانسکی، جولیان رید، چیلینگیرا و غلو و لیبیک اشاره کرد. میان برخی از این پژوهشگران بر سر شناسایی اماکن جغرافیایی اجماع نظر کلی وجود دارد، اما بقیه در این زمینه شدیداً اختلاف نظر دارند و موقعیت‌های کاملاً متفاوتی را برای اماکن مضبوط در نامه‌ی سارگون پیشنهاد می‌دهند (یعنی، Levin 1977: 141-2؛ Zimansky؛ Piotrovskii 1959: 105؛ Muscarella 1986 and maps figs. 2, 3؛ 145، map 14-16؛ 1990: 14-16 که موقعیت جغرافیایی مناطق و اماکن را «به صورت فرضی پیشنهاد می‌کند»). برخی از محوطه‌های اورارتویی حفاری شده با شهرها و دژهای باستانی تطبیق داده شده‌اند و در این زمینه نیز تفاوت‌هایی در دیدگاه‌های پژوهشگران مختلف دیده می‌شود. در مجال حاضر به ذکر دو نمونه از این محوطه‌ها، با عناوین اوئیشه/اوایانیس و اولهو، اکتفا می‌شود. هر دو محوطه به طور قطع در داخل خاک اصلی اورارتو قرار دارند و تعیین محل دقیق آنها در تعیین جزئیات جغرافیایی مسیر حرکت سارگون پس از ورود وی به مناطقی که به طور قطع جزء خاک اصلی اورارتو بود بسیار اهمیت دارد. دیدگاه‌های ارایه شده در زمینه تطبیق این دو محوطه با اماکن باستانی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- اولهو، «خاک» روسا (سطر ۲۱۶)، واقع در شمال غرب ایران
۱. مرند/لیوار واقع در شمال شرق ارومیه و شمال غرب تبریز (به تبعیت از تورو دائرن): Lehmann- Kleiss 1969-70؛ Çilingiroğlu 1976-77: 260؛ Burney 1972: 140، 154؛ Haupt 1916 131-132، fig. 3 (البته در این مقاله کلایس آن را در شمال دریاچه‌ی ارومیه می‌خواند).
۲. محوطه‌ی قلاتگاه در ساحل جنوب غربی دریاچه‌ی ارومیه: Salvini 1986؛ Muscarella 1986.
۳. هفتون تپه در دشت سلماس واقع در ساحل شمال غربی دریاچه‌ی ارومیه: Kleiss 1977: 140.

اوئیشه/اوایانیس

۱. منطقه‌ی اشنویه در ساحل جنوب غرب دریاچه‌ی ارومیه: van Loon 1975: 206-207؛ Reade 1995: 35، Lanfranchi 1995: 130؛ Liebig 1991: 31، 33؛ Zimansky 1990، 16 Fig. 3
۲. محوطه‌ی قلاتگاه: Kroll؛ Zimansky 1990: 17-18؛ Zimansky 1985: 66-7، 112، note 64؛ 1997: 206؛ Fuchs 2004: 515، 550؛ Kleiss 2011: 161، Fig. 14. به گفته‌ی فان لون

(205: 1975) در کنیهی قلاتنگاه شاید نام اوئیشه آمده باشد؛ سالوینی (24, 12: 1984)، به دلیل آسیب دیدن این بخش از کنیهی قلاتنگاه، ادعای فان لون را تردیدآمیز می‌داند. با این حال، فوخرس (56, 467: 2004) نظر فان لون را تأیید می‌کند.

۳. محوطه‌ی قلعه‌ی اسماعیل آقا در غرب ارومیه؛ Pecorella and Salvini: 1984: 24-25, 46, Salvini 1995: 87؛ Muscarella 1986: 472, 54.

۴. ناحیه‌ی باش قلعه در حدود ۱۰۰ کیلومتری غرب ساحل شمالی دریاچه‌ی ارومیه؛ Çilingiroğlu 1976-77؛ Levine 1977: 143, 147.

۵. ناحیه‌ی پیرامونی دریاچه‌ی وان (بیتلیس در نزدیکی ساحل جنوب غربی دریاچه)؛ Piotrovskii 1959: 105؛ Burney 1972: 156 (به تبعیت از تورو دانزن).

مسیر لشکرکشی سارگون

سارگون پیش از آغاز پیشروی مخاطره‌آمیز خود در خاک اورارتو، در سواحل جنوبی دریاچه‌ی ارومیه به تهاجمات گسترده‌ای دست زده بود. دیدگاه‌های پژوهشگران مختلف درباره‌ی مسیرهای دقیق پیشروی وی در این ناحیه، دامنه‌ی نفوذ و مناطقی که وی در غرب ایران، شرق و شمال این دریاچه در آنها پیشروی کرده است و موقعیت تقریبی ممالک و نواحی غیر اورارتویی پرشماری که به اشغال ارتش وی در آمده است به میزان قابل ملاحظه‌ای تفاوت دارد (به دیدگاه‌ها و نقشه‌های متعددی که در این زمینه منتشر شده است رجوع شود). از جمله‌ی ممالک، شهرها و نواحی پرشماری که در مباحث مربوط به تطبیق مناطق و اماکن باستانی با مناطق و اماکن امروزی وارد شده است در مجال حاضر به چند مورد اشاره می‌شود. در این بین، آندیا و زیکیوتو از اهمیت خاصی برخوردارند، زیرا سارگون بیان می‌کند که از این ممالک «به سوی اورارتو تغییر مسیر می‌دهد» (سطر ۱۴). بر همین اساس، این ممالک بی‌تردید در جنوب قلمرو اورارتو و جنوب دریاچه‌ی ارومیه قرار داشتند. اوئیشدیش و سوبی، که اسامی آنها به دنبال هم‌آمده است، نیز از نواحی مرزی بودند و فاصله‌ی اندکی با خاک اورارتو داشتند؛ سوبی از قرار معلوم به اورارتو نزدیک‌تر بود. هر دوی این نواحی احتمالاً جزء خاک ماننا بودند یا در همسایگی آن قرار داشتند. سانگیوتو در جنوب آرماریلی واقع بود که ممالک آن به یقین در جنوب/ جنوب غرب دریاچه‌ی ارومیه قرار داشت. بر این اساس، نگارنده در کل با دیدگاه لوین (1977) موافق است. آرماریلی ناحیه‌ای مرزی در نزدیکی اورارتو بود (تطبیق آرماریلی با محوطه‌ی تاش تپه، واقع در مجاورت گوشه‌ی جنوب شرقی دریاچه‌ی ارومیه، را در بحث حاضر رد نمی‌شود). ناحیه‌ی هوبوشکیا با مسیر بازگشت سارگون به آشور ارتباط دارد و لذا احتمالاً در غرب یا جنوب غرب دریاچه‌ی ارومیه واقع بود (Reade 1994: 196, 188؛ Reade 1995: 38).

به تازگی صخره‌نوشته‌ای از آرگیشتی (۷۸۵/۷۸۰-۷۵۶ ق.م.) از محوطه‌ی جوان قلعه در ساحل شرقی دریاچه‌ی ارومیه، در حدود ۴۰ کیلومتری شمال تاش تپه، کشف شده است (نک: Salvini SMEA 47، هم‌چنین در CTU). در این صخره‌نوشته واژه‌ی «مانتا» ذکر شده است؛ اما آمدن نام مانتا به خودی خود نشان‌گر آن نیست که منطقه‌ی جوان قلعه بخشی از خاک این ولت بود، زیرا ممکن است در این صخره‌نوشته از نام دولت مانتا برای اشاره به مسیر لشکرکشی نامشخصی استفاده شده باشد نه الزاماً موقعیت جغرافیایی این دولت.

وجود تأثیرات هنری اورارتویی در اشیایی که در کاوش‌های علمی کشف نشده اما به ادعای دلالتان عتیقه و به ادعان بسیاری از پژوهشگران از محوطه‌ی زیویه، در حدود ۱۰۰ کیلومتری جنوب شرقی دریاچه‌ی ارومیه، پیدا شده است (Muscarella 1977: 206-207) این مسائل را پیچیده‌تر می‌سازد. اما، تنها شیء اورارتویی که در حفاری‌های علمی از زیویه کشف شده اثر مهری منتسب به روسای دوم (حدود ۶۸۵-۶۴۵ ق.م.) است که نصرت الله معتمد بر روی لقمه‌ی مهری کشف کرده است. به علاوه، از قبری در قبرستان کول تاریکه، در نزدیکی زیویه، سنجاق قفلی اورارتویی به دست آمده است (معلوم نیست تاجر یا فرستاده‌ای اورارتویی در این قبر مدفون بود یا این سنجاق قفلی به فرد متوفی (غیر اورارتویی) اهدا شده بود). هم‌چنین، کتیبه‌ای حاوی نام ایشپوینی (۸۲۸-۸۱۰ ق.م.)، پادشاه اورارتو و پدر منوآ، در کوه ترغه واقع در حدفاصل بوکان و مهاباد کشف شده است. کتیبه‌ی مشترکی از هر دو پادشاه اخیر نیز از قلاتگاه و کتیبه‌ای از منوآ در تاش تپه کشف شده است (Muscarella 2010: 265, 267). با این حال، وجود کتیبه‌های فوق در این نواحی جنوبی شاید نشانه‌ی تعاملات سیاسی و دیپلماتیک اورارتو با همسایگان خود در این نواحی باشد و الزاماً سلطه‌ی اورارتو بر نواحی مزبور را نشان نمی‌دهد (نک: Lanfranchi 2003: 101-103؛ Fales 2003: 140-142، Muscarella 2010: 267).

در زمینه‌ی تعیین قطعی مرزهای قلمرو اصلی اورارتو در نواحی غربی و جنوبی واقع در مجاورت سواحل دریاچه‌ی ارومیه میان پژوهشگران اجماع نظر وجود دارد. اما، باید اشاره کرد اختلاف نظر اصلی - البته تنها یکی از اختلاف نظرهای موجود - در میان پژوهشگران بر سر این موضوع است که آیا سارگون در ساحل غربی دریاچه‌ی ارومیه به سمت شمال پیشروی کرده و به داخل خاک اصلی اورارتو وارد شده و سپس همان مسیر را بازگشته است یا آن که وی در طول ساحل شرقی دریاچه، که به یقین جزء خاک اورارتو نبود، به سمت شمال حرکت کرده و وارد خاک اورارتو شده و در بازگشت در امتداد دریاچه به سمت غرب و در نهایت به سمت جنوب تغییر مسیر داده و دریاچه را دور زده است. اگر احتمال دوم صحیح باشد، ممالک و نواحی غیر اورارتویی چندی که در متن

نامه‌ی سارگون نام برده شده‌اند باید در شرق - و نه در جنوب - دریاچه‌ی ارومیه واقع بوده باشند (یعنی Zimansky 1990). موضوع دیگر در این رابطه آن است که به اعتقاد برخی از پژوهشگران سارگون از رشته کوه‌های زاگرس گذشته و به دریاچه‌ی وان رسیده - و حتی آن را دور زده - و سپس با عبور مجدد از رشته کوه‌های زاگرس به سمت شرق پیچیده و به سواحل دریاچه‌ی ارومیه بازگشته و سپس به سمت جنوب تغییر مسیر داده و در نهایت راه بازگشت به آشور را در پیش گرفته است. در دیدگاه‌های فوق، مسیر حرکت سارگون به سمت جنوب در راه بازگشت به آشور در طول ساحل غربی دریاچه‌ی ارومیه اساساً یکی است. مسیرهای مختلفی که برای لشکرکشی سارگون پیشنهاد شده است عموماً در قالب دو گروه «مسیر کوتاه» و «مسیر طولانی» طبقه‌بندی می‌شود. سارگون هر مسیری را که در پیش گرفته باشد اساساً مانعی در برابر وی وجود نداشته است، به استثنای مسیر پیشروی ادعایی تا سواحل دریاچه‌ی وان (Muscarella 2010: 265).

الف: مسیر کوتاه

۱. دور زدن دریاچه‌ی ارومیه از سمت شرق: پژوهشگران طرفدار این مسیر عبارت‌اند از: پتروفسکی (1959: 105, map)؛ برنی (1972: 138-140, 155)؛ فان لون (1975: 206-207)؛ چلینگیر اوغلو (1966-1967)؛ سلیم و بلی (1976-1977: 89-90)؛ Anadolu Arastirmalari؛ والتر مایر (1980: 22-23)؛ زیمانسکی (1990)؛ لیبیک (1989: 33)؛ رید (1994: 186)؛ (1995: 38)؛ کرول (1997: 206؛ 2010: Fig. 14).

۲. دور نزدن دریاچه‌ی ارومیه: بر طبق این دیدگاه، سارگون در این لشکرکشی تنها در طول ساحل غربی دریاچه‌ی ارومیه به سمت شمال پیشروی کرده و سپس همان مسیر را بازگشته است (Rigg 1942: 132, 135, 138). این مسیر نخستین بار از سوی ریگ پیشنهاد شده است. نگارنده این دیدگاه را در سال ۱۹۶۰ میلادی بر مبنای مشاهدات خود در نواحی اطراف دریاچه‌ی ارومیه پس از مسافرت در طول ساحل شرقی آن مطرح ساخت و کشف کتیبه‌ی فلانگاه دیدگاه وی را تقویت ساخت (Muscarella 1971: 49؛ 1986. هم‌چنین، نک: Salvini 1984: 46-51؛ Salvini 1995: 28-29). زیمانسکی (1990: 5, note 22) نوشته است که نگارنده [یعنی ماسکارالا] «حتی مدعی [شده] است» وی «اولین کسی» بود که دیدگاه حاضر را در مورد مسیر لشکرکشی سارگون مطرح می‌کند. نگارنده می‌پذیرد که این موضوع را بیان کرده است، زیرا در آن زمان از نظرات ریگ (1942) و پژوهشگران دیگر از جمله لوین (1977) مطلع نبود. لوین (صفحه‌ی ۱۵۰) مقاله‌ی خود اشاره‌ی گذرایی به فرضیه‌ی نگارنده (1971) در قبال مسیر

لشکرکشی سارگون می‌کند، اما با فرضی خواندن فرضیه‌ی پیشنهادی نگارنده آن را کم‌اهمیت می‌خواند.

ب: مسیر طولانی

۱. پیشروی تادریاچه‌ی وان: تورو داتزن (1912)؛ ادوین رایت (3: 1)؛ فان لون (207-205: 1975)؛ 260: 1987؛ چیلینگیر اوغلو (264-265: 1976-1977)؛ کلاپس (132-131: 1969-1970: Abb. 3).
۲. دور زدن دریاچه‌ی وان: تورو داتزن (1912)؛ پیتروفسکی (105: 1956)؛ برنی (155: 1972)؛ چیلینگیر اوغلو (1976-1977).

نگارنده موضع خود در قبال مسیر لشکرکشی سارگون و دیدگاه‌ها نس در زمینه‌ی تطبیق اماکن و نواحی باستانی با محوطه‌ها و مناطق امروزی را در سال ۱۹۸۶ میلادی (Muscarella 1986) به صورت رسمی بیان کرده و تاکنون آنها را تعدیل و اصلاح نکرده است. نگارنده «مسیر کوتاه: شماره‌ی ۲» را قبول دارد: سارگون دریاچه‌ی ارومیه را از سمت شرق دور زده و از شمال غرب ایران با عبور از رشته‌کوه‌های زاگرس به دریاچه‌ی وان رسیده است بلکه صرفاً در طول سواحل جنوبی و غربی دریاچه‌ی ارومیه و نواحی هم‌جوار آنها پیش رفته و سپس راه بازگشت به آشور را در پیش گرفته است. بر این اساس، نگارنده با دیدگاه‌های ریگ، لوبل و سالوینی موافق است. سارگون به دور زدن دریاچه‌ای به طول ۱۲۰ کیلومتر، که به درستی آن را «دریا» خوانده است، اشاره نمی‌کند. همان گونه که در بالا گفته شد، در ساحل شرقی دریاچه‌ی ارومیه هیچ محوطه‌ی اورارتویی وجود ندارد و پژوهشگرانی نیز که طرفدار دیدگاه دور زدن این دریاچه هستند (یعنی، زیمانسکی [9-10: 1990: 21]) بر این موضوع اذعان کرده‌اند. زیمانسکی (14: 1990) با وجود آگاهی از این حقیقت که در طول ساحل شرقی دریاچه‌ی ارومیه هیچ شهر و استقرار اورارتویی وجود ندارد ادعا می‌کند «در مقام نظر هیچ ایرادی بر دیدگاه دور زدن دریاچه وارد نیست». با این حال، از آن جایی که نواحی شرقی دریاچه‌ی ارومیه جزء خاک اورارتو، یعنی دشمنی که هدف صریح لشکرکشی بود، نبود، شاهدی دال بر پیشروی - یا احتمال پیشروی - سارگون در طول ساحل شرقی دریاچه‌ی ارومیه وجود ندارد. هم‌چنین، دوباره باید تکرار کرد که اگر وی به این کار دست می‌زد به آن اشاره می‌کرد. فان لون (259: 1987) با اشاره به این که سارگون در نامه‌ی خود دو بار از لفظ «دریا» استفاده کرده است (سطرهای ۲۳۳ و ۲۸۶) ادعا می‌کند وی با دو دریای متفاوت مواجه شده است: دریاچه‌ی ارومیه و دریاچه‌ی وان. ادعای وی پذیرفتنی نیست، زیرا سارگون می‌توانست در بحث از دو محوطه‌ی متفاوت

که در جوار دریاچه‌ی ارومیه قرار داشت نام این دریاچه را دو بار ذکر کند. رید (1995: 38-39) حتی مدعی شده است که سارگون به رشته کوه‌های البرز و دریای خزر رسیده است. وی هم چنین معتقد است شمشي ادد پنجم (۸۲۳-۸۱۱ ق.م). نیز قبلاً به این مهم نایل آمده بودند و این امر امکان پیمودن این مسافت طولانی را برای ارتش آشور تأیید می کند. هم چنین، آمدن عبارت «دریای خورشید در حال غروب» در کتیبه‌ی مربوط به شمشي ادد، با توجه به تلقی نادرست آشوریان از جهات جغرافیایی، محل بحث است. به زعم رید این عبارت به دریای خزر اشاره دارد نه به «صرف دریاچه‌ی» ارومیه، که به اعتقاد نگارنده توصیف درستی از آن «دریا» نیست (قس: بحرالمیت). اشیای آشوری پرشماری که از میان ویرانه‌های طبقه‌ی چهارم ب حسلو کشف شده مؤید آن است که در قرن نهم ق.م. دولت آشور، به غالب احتمال در قالب مراودات دیپلماتیک / تجاری، با نواحی اطراف دریاچه‌ی ارومیه در تماس بوده است (Muscarella 1980: 200-202, 210-217). لشکرکشی هشتم سارگون بی گمان بسیار طولانی و دراز بود و - همان گونه که در بالا اشاره شد - تا قرن بیست و یکم ادامه یافته است!

فهرست منابع

- Burney, C. (& Lang, D.M.). 1972. *The Peoples of the Hills*, New York.
- Çilingiroğlu, A. 1976-1977. "The Eighth Campaign of Sargon II," *Jahrbuch für kleinasiatische Forschung* (= *Anadolu Araştırmaları* 4-5). Pp. 252-269.
- Fales, F.M., 2003. "Evidence for West-East Contacts in the 8th Century B.C.: The Bukan Stele," in *Continuity of Empire(?): Assyria, Media, Persia*, G.F. Lanfranchi et al eds., Padova. Pp. 131-147.
- Fuchs, A. 2004. *Bis hin zum Berg Bikni. Zur Topographie und Geschichte des Zagrosraumes in altorientalischer Zeit*. Tübingen University, unpublished Habilitation.
- Kleiss, W. 1969/1970. "Zur Ausbreitung Urartus nach Osten," *Istanbuler Mitteilungen* 19/20, 125-136.
- , 1977. "Alte Wege in West-Iran" *AMI* 10, pp. 137-151.
- Kroll, S., 1997. "Review of Salvini 1995," *Die Welt des Orients* XVIII, 203-208.
- Kroll S. 2010. "İran'daki Urartu Şehirleri / Urartian Cities in Iran," in K. Köroğlu & E. Konyar eds. *Urartu-Bianili: Doğu'da Değişim - Urartu-Bianili: Transformation in the East*. İstanbul. Pp. 150-169.
- Lanfranchi, G.B. 1995. "Assyrian Geography and Neo-Assyrian letters. The location of Hubuskia Again," in Liverani ed. *Neo-Assyrian Geography*. Rome. Pp. 127-137
- Lanfranchi, G.B. 2003. "The Assyrian Expansion in the Zagros and the Local Ruling Elites," in G.F. Lanfranchi et al. eds. *Continuity of Empire(?): Assyria, Media, Persia*. Padova. Pp. 79-118.

- Levine, L. 1977. "Sargon's Eighth Campaign," in *Mountains and Lowlands: Essays in the Archaeology of Greater Mesopotamia* (= *Bibliotheca Mesopotamia* 7). Pp. 135-151.
- Liebig, M. 1989. "Zur Lage einiger im Bericht über den 8. Feldzug Sargons II. von Assyrien genannter Gebiete," *ZfA* 81 (1), 31-36.
- Mayer, W. 1980. "Sargons Feldzug gegen Urartu—714 v. Chr.," *MDOG* 112, 13-32.
- Meissner, B. 1922. "Die Eroberung der Stadt Ulhu and Sargons 8. Feldzug," *ZA* 34, 113-122.
- Muscarella, O.W. 1971. "Qalatgah: An Urartian Site in Northwestern Iran," *Expedition* 13 (3/4), 44-49.
- , 1980. *The Catalogue of Ivories from Hasanlu, Iran*. The University Museum, Philadelphia.
- , 1986. "The Location of Ulhu and Uise in Sargon II's Eighth Campaign," *JFA* 13, 465-475.
- , 2010. "Hasanlu and Urartu," in S. Kroll et al. eds. *Bianili-Urartu*. Munich. Pp. 265-279.
- Pecorella, P. & Salvini, M. 1984. *Tra lo Zagros e L'Urmia*. Rome.
- Piotrovskii, B.B. 1959. *Vanstoe Tsarstvo*. Moscow.
- Reade, J. 1995. "Iran in the Neo-Assyrian Period," in M. Liverani ed. *Neo-Assyrian Geography*. Rome. Pp. 31-42.
- , 1994. "Campaigning Around Musasir," in A. Çilingiroğlu and D. French eds. *Anatolian Iron Ages 3*. Ankara. Pp. 185-188.
- Rigg, H.A. 1942. "Sargon's Military Campaign," *JAOS* 62, pp. 130-138.
- Salvini, M. 1984. in P. Pecorella and M. Salvini, *Tra lo Zagros e L'Urmia*. Rome.
- Salvini, M. 1995. *Geschichte und Kultur der Urartäer*. Darmstadt.
- Thureau-Dangin, F. 1912. *Une Relation de la Huitième Campagne de Sargon*. Paris.
- van Loon, M. 1975. "The inscription of Ishpuini and Menua at Qalatgah, Iran," *JNES* 34 (3), 201-207.
- , 1987. "Review of Pecorella and Salvini 1984," *BibOr* XLIV (1/2), 252-262.
- Wright, E.M. 1943. "The Eighth Campaign of Sargon II of Assyria (714 B.C.)," *JNES* 2, 175-186.
- Zaccagnini, C. 1981. "An Urartian Royal Inscription in the Report of Sargon's Eighth Campaign," in F.M. Fales, ed. *Assyrian Royal Inscriptions: New Horizons in Literary, Ideological, and Historical Analysis* (= *Orientalis Antiqui* XVII). Pp. 259-295.
- Zimansky, P. 1985. *Ecology and Empire: The Structure of the Urartian State*. Chicago.
- , 1990. "Urartian Geography and Sargon's Eighth Campaign," *JNES* 49 (1), 1-21.